

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۷۳ - ۶۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۸

رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان

ایران مهدیزادگان*

محمدرضا حق شناس**

سید حمید آتش پور***

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان شهر شاهین شهر تشکیل می دادند که تعداد آنها ۶۷۰۰۰ نفر بود که از بین آنان تعداد ۳۹۳ نفر (۱۹۸ نفر زنان شاغل و ۱۹۵ نفر زنان خانه دار) به شیوه تصادفی چند مرحله ای انتخاب و گروه نمونه را تشکیل دادند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه های خشونت خانوادگی و پویایی درون خانواده (D.A.F) بود. داده ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی با کارکرد خانواده رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$ و $P \leq 0/01$). همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که خشونت جنسی و کلامی قادر به پیش بینی کارکرد خانواده می باشد.

کلید واژگان: خشونت خانوادگی، کارکرد خانواده، زنان.

* عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان) (نویسنده مسئول)؛

(iran_meh@yahoo.com)

**دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

***عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

پدیده خشونت در خانواده از جلوه های آشکار نقض حقوق انسانی است، که مخصوص جامعه و طبقه خاصی نبوده و هم اکنون در بسیاری از فرهنگهای سراسر دنیا به صورت آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می گردد. متأسفانه در دنیای متمدن امروز زنان که عضو جامعه بزرگ انسانی اند، آشکارا و پنهان اشکال عمده خشونت و آزار را در شبکه ارتباطی خانواده و در تمام دوره های زندگی غمگانه و به تلخی تجربه می کنند (فال، هووارد و فورد^{۵۵}، ترجمه مهدیزادگان و باقرپور، ۱۳۸۱).

در اکثر جوامع امروزی زنان در معرض خشونت های مردان قرار دارند، آنها نه تنها قربانی خشونت مردانه اند، بلکه ترس از رویارویی با این خشونت بر سراسر زندگی آنان به شدت سایه افکنده است (مردانی، ۱۳۸۹). محیط خانوادگی و شبکه ارتباطی درون آن یکی از بسترهای خشونت است، برخی موارد این خشونت ها عبارتند از خشونت جسمانی، خشونت کلامی، خشونت عاطفی، خشونت جنسی. خشونت خانگی آثار مخربی بر جو روان شناختی و عاطفی خانواده و اعضای آن می گذارد و می تواند پیامدهای مخربی بر ساختار خانواده به دنبال داشته باشد. که به تأثیر این پیامدها بر کارکرد خانواده و سلامت روان خانواده می توان اشاره نمود. فال^{۵۶} (۲۰۱۰) خشونت را هرگونه نگرشی، یا رفتاری که به آسیب فرد دیگری بینجامد تعریف نموده، و آسیب را به چهار شیوه عمده جسمی، کلامی، عاطفی و جنسی مورد بررسی قرار می دهد.

خشونت های خانوادگی معمولاً از عوامل خطر چند گانه و پیچیده ای نشأت می گیرد که از جمله عمده ترین این عوامل می توان به آسیب های روانشناختی زوج و زمینه های اجتماعی و فرهنگی اشاره داشت (گورتنر، کولان و جکوبسین^{۵۷}، ۱۹۹۷). خشونت خانوادگی را می توان مجموعه ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارهای فرد دیگر بدان متوسل می شود. قربانیان خشونت خانوادگی که اکثر قریب به اتفاق آنها زنان هستند اغلب مورد تهدید جانی، تجاوز جنسی و محرومیت اقتصادی قرار می گیرند و به کودکان و متعلقات آنها صدمات زیانباری وارد می شود. اثبات وجود این سیستم کنترل امری بس دشوار و اغلب از چشم افراد بیرون خانواده پوشیده می ماند (شکتر و گالنی^{۵۸}، ۱۹۹۵).

خانواده بدون شک بهترین سازمانی است که بستر ساز رفاه جسمی، روانی و اجتماعی و عامل رسیدن به تعادل فیزیکی است (بخشی پوررودسری و منصوری، ۱۳۹۰). مطالعه اپستین،

⁵⁵. Fall, Howard & ford

⁵⁶. Fall

⁵⁷. Gortner, Collan, & Jacobson

⁵⁸. Schecter & Ganley

بالدوین، و بیشاپ^{۵۹} (۱۹۸۳) پیرامون عملکرد و کارآیی خانواده نشان داده است که کارآیی خانواده بیشتر به ویژگی های نظام خانواده، شیوه های سیستمی و الگوهای تبادلی بین اعضاء آن مربوط است و نه به ویژگی های درون روانی یکایک اعضاء خانواده (رجبی، چهاردولی و عطاری، ۱۳۸۶). وارینگ، دیویس، لی، گریسی، برک و اسکازوچو^{۶۰} (۱۹۸۱) در مطالعه ای دریافتند که نابسامانی ازدواج و عدم خشنودی در زندگی زناشویی به طور معناداری با شیوع اختلالات عاطفی – هیجانی در جمعیت عمومی رابطه دارد. در صورتی که ازدواج رضایت بخش باعث ارتقاء سلامت همسران و منابع رویدادهای منفی زندگی و مشکلات روانشناختی در آن ها می شود.

بعضی از پیامدهای حاصل از اختلال در ازدواج عبارتند از: همبستگی مثبت بین تعارض زناشویی و افسردگی (کوی و همکاران^{۶۱} ۱۹۹۳). سطح پایین سلامت جهانی و مشکلات شغلی (مارک من، رینک، فلویید، استانلی و کلمنت^{۶۲} ۱۹۹۳). زوجین تمایل دارند که در زنجیره ارتباط الگوی تعاملی خود را در روابط خصوصی شان حفظ کرده و توسعه بخشند در جریان موقعیت های تعارضی، این الگوهای تعاملی می تواند هم مثبت و هم کاربردی باشد و ارتقاء روابط زناشویی به هنگام بروز استرس و تشدید تعارض یا منفی و یا غیر کاربردی باشد (کروالی^{۶۳}، ۲۰۰۶).

فورستر^{۶۴} (۱۹۹۱) بر این باور است که اگر ارزیابی افراد از خودشان و ذهنیتی که اغلب به خودشان دادند، مثبت باشد، از سلامت و سازگاری بیشتری برخوردار هستند، لذا روانشناسی مثبت و سرمایه روانشناختی از جمله مسائلی است که صرفاً در محیط های سازمانی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و در روابط اجتماعی و خانوادگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ساهین، تیمور و ارگین^{۶۵} (۲۰۱۰)، در تحقیق نشان دادند افرادی که خشونت های خانوادگی را تجربه کرده اند از افت کارکرد بیشتری برخوردارند. اتمن و آدنان^{۶۶} (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان مدیریت خشونت خانوادگی در مالزی به این موضوع اشاره کردند که وجود خشونت های خانگی در بین خانواده ها موجب افت رضایت زناشویی می شود و کارکرد های

⁵⁹ . Epstein , Baldwin, & Bishop

⁶⁰ . Waring, Davies, Lee, Grisi, McPhail-Berks, & Scazzochio

⁶¹ . Coie etal

⁶² . Markman, Renick , Floyd, Stanley, & Clement

⁶³ . Crowley

⁶⁴ . Forster

⁶⁵ . Sahin ,Timor , & Ergin

⁶⁶ . Othman & Adenan

خانوادگی را کاهش می دهد. رسکو^{۶۷} (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر خشونت علیه زنان نشان داد که اشتغال موجب رشد منابع اقتصادی در زنان می شود و به دنبال آن خشونت های فیزیکی علیه آنان افزایش می یابد

آیدی، کورا، آندرادو اسکامیلا^{۶۸} (۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان علل و عوامل شیوع خشونت های خانگی اشاره نمودند که زنان خانه دار و کم درآمد بیشتر در معرض خشونت های خانوادگی قرار می گیرند. محمدخانی، رضایی دوگاهه، محمدی و آزاد مهر (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان انجام دادند یافته ها نشان داد، مردان بیشتر از زنان مرتکب خشونت می شوند و در عین حال زنان بیشتر قربانی خشونت بودند. از سوی دیگر زمان خشونت که با میانگین دفعات بروز خشونت اندازه گرفته شد در مردان بیشتر بود. مهدی زادگان (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان تاثیر فرایند مشاوره گروهی با مردان خشونت گرا در خانواده نشان داد که به منظور کاهش خشونت های خانوادگی با استفاده از مشاوره گروهی می توان نگرش افراد را نسبت به اعمال خشونت تغییر داد و خشونت را کاهش داد.

نتایج تحقیق فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸) نشان داد که رابطه معناداری بین پرخاشگری و ابعاد مختلف کارکرد خانواده مانند حل مشکل، ارتباط، نقش ها و کارکرد کلی خانواده وجود داشت ($P < 0/05$). از آنجایی که خشونت های خانوادگی مخصوص یک قشر یا یک منطقه خاص نبوده و تمامی طبقات جامعه را در بر می گیرد و هیچ انسانی از فشار روانی و اجتماعی ناشی از خشونت های خانوادگی مصون نیست و به طور کلی باید گفت خشونت های خانوادگی به کار و اقتصاد خانواده لطمه وارد می کند، درآمد سرانه را کاهش می دهد و رفاه و نشاط فردی را از اعضای خانواده سلب می کند و با تخریب وضایع کردن نیروی انسانی، در اقتصاد و اجتماع تاثیر عمیق و سوء بر جا می گذارد، بر این اساس هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان شهر شاهین شهر می باشد که برای دستیابی به این هدف فرضیه های زیر تدوین گردید.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری را کلیه ی زنان شهر شاهین شهر در بهار سال ۱۳۹۱ تشکیل داده اند که طبق آمار شبکه بهداشت و درمان شاهین شهر تعداد زنان شاهین شهر حدود ۶۷۰۰۰ نفر بود که از بین آنها تعداد ۳۹۳ نفر (۱۹۸ از زنان شاغل و ۱۹۵ از زنان خانه دار) به شیوه تصادفی چندمرحله

⁶⁷. Resko

⁶⁸. Audi, Corrêa, Andrade & Escamila

ای انتخاب و گروه نمونه را تشکیل دادند. بدین ترتیب که ابتدا از بین سازمان های شهر شاهین شهر تعداد ۱۰ سازمان مشخص و از بین زنان شاغل در این سازمان ها گروه نمونه انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند و برای جمع آوری اطلاعات زنان خانه دار نیز با مراجعه حضوری به درب منازل و همچنین از بین زنان مراجعه کننده به مراکز فرهنگی و تفریحی شهر شاهین شهر با اخذ اجازه و کسب تمایل برای حضور در تحقیق، پرسشنامه ها در اختیارشان قرار گرفت و توسط آنان تکمیل گردید.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه خشونت خانوادگی: خشونت خانوادگی در این پژوهش با استفاده از یک مقیاس ۴۲ سوالی که بر مقیاس ۵ درجه ای (هرگز = ۱ تا هر روز = ۵) پاسخ داده می شود مورد سنجش قرار گرفته است. این پرسشنامه ابعاد مختلف خشونت (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) را به صورت جداگانه مورد سنجش قرار می دهد. این پرسشنامه توسط مهدیزادگان و آتش پور و برای اولین بار جهت استفاده در این پژوهش طراحی و ساخته شده است و برای اولین بار در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در تحقیق حاضر جهت تعیین روایی سازه این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی^{۶۹} با چرخش از نوع واریماکس^{۷۰} بر روی ۴۲ پرسش این پرسشنامه انجام گرفت که چهار عامل خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی استخراج گردید. نتیجه این تحلیل عاملی با سنجه کیزر، میر و اولکین (KMO) برابر ۰/۸۴ و با آزمون کروت بارتلت برابر ۱۹۳۶/۲۳۰۹ ($P \leq ۰/۰۰۱$) به دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به هر یک از ابعاد این پرسشنامه بررسی و در جدول (۱) این ضرایب بیان شده است.

جدول (۱) ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد خشونت خانوادگی

خشونت جنسی	خشونت کلامی	خشونت عاطفی	خشونت جسمی	آلفای کرونباخ
۰/۷۵۰	۰/۹۳۴	۰/۹۰۹	۰/۹۱۵	

۲- پرسشنامه پویائی درون خانواده (D .A .F): پرسشنامه^{۷۱} D .A .F یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن کارکرد (کارایی) خانواده توسط اپستین، بالدوین، و بیشاپ بر مبنای الگوی مک مستر تدوین شده است و بر اساس یک مقیاس لیکرتی (۱)

⁶⁹ . confirmatory factor analysis

⁷⁰ . varimax rotation

⁷¹ . Family Assessment Device

الی (۴) پاسخ داده می شود. این پرسشنامه در تحقیقات زیادی مورد استفاده قرار گرفته است و روایی آن مورد تأیید می باشد. این پرسشنامه توسط ثنائی (۱۳۷۸) با استفاده از مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس و با مقیاس قدرت متمایز سازی اعضای خانواده های بالینی و خانواده های غیر بالینی، در هر هفت خرده مقیاس خود، دارای روایی همزمان و پیش بین مطلوبی گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه توسط ثنائی (۱۳۷۸) با استفاده روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده مقیاس های آن به ترتیب فوق ۰/۹۱، ۰/۶۶، ۰/۶۷، ۰/۶۳، ۰/۴۲، ۰/۶۱، ۰/۳۸ و ۰/۷۳ گزارش شده است. همچنین، بیرامی، هاشمی، علائی و عبداللهی (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه را ۰/۹۸ گزارش کرده اند. در تحقیق حاضر پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است که مقدار آلفای آن برابر با ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته های پژوهش

فرضیه ۱: بین خشونت خانوادگی (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) با کارکرد خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول (۲) ضرایب همبستگی بین ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده

ردیف	ابعاد خشونت	کارکرد خانواده	
		ضریب همبستگی	ضریب تعیین
۱	خشونت جسمی	-۰/۱۱	۰/۰۱۲
۲	خشونت عاطفی	-۰/۲۲۷	۰/۰۵۶
۳	خشونت کلامی	-۰/۲۱۹	۰/۰۴۷
۴	خشونت جنسی	-۰/۳۰۴	۰/۰۹۲

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می شود، بین خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی با کارکرد خانواده رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$) و ($P \leq 0/01$).

فرضیه ۲: بین خشونت خانوادگی (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) با کارکرد خانواده رابطه ترکیبی (چندگانه) معنادار وجود دارد.

جدول (۳) ضریب همبستگی چندگانه بین ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده به شیوه گام به گام

سطح معناداری	Df _۱	Df _۲	F	مجذور R	R	گام‌ها
۰/۰۰۰۱	۳۹۱	۱	۳۹/۷۹	۰/۰۹۲	۰/۳۰۴ ^a	گام ۱
۰/۰۴۱	۳۹۰	۱	۴/۲	۰/۱۰۲	۰/۳۱۹ ^b	گام ۲

a. خشونت جنسی b. خشونت جنسی و خشونت کلامی

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود بین ابعاد خشونت خانوادگی و کارکرد خانواده به شیوه گام به گام رابطه وجود دارد ($p < 0/01$). مجذور R که نشان دهنده همپوشانی واریانس‌هاست نشان می‌دهد که در گام اول ۹ درصد و در گام دوم ۱۰ درصد از نمرات خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده همپوشی داشته‌اند و تغییرات کارکرد خانواده از آنها ناشی می‌شود.

جدول (۴) ضرایب رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کارکرد خانواده از طریق ابعاد خشونت خانوادگی

سطح معناداری	t	Beta	ضرایب استاندارد		گام‌ها
			B	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰۱	۹۶/۴۶	-	۱۳۸/۳۹	۱/۵۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰۱	۶/۳	-۰/۳۰۴	-۰/۹۸	۰/۱۵	خشونت جنسی
۰/۰۰۰۱	۹۴/۰۵	-	۱۴۷/۶۸	۱/۵۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰۱	۴/۸۵	-۰/۲۵۷	-۰/۸۳۳	۰/۱۷	خشونت جنسی
۰/۰۴۱	۲/۰۵	-۰/۱۰۹	-۰/۱۹۸	۰/۰۹۷	خشونت کلامی

همانطور که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، از بین ابعاد خشونت خانوادگی طی دو گام، خشونت جنسی ($p < 0/01$ و $t = 4/85$) و خشونت کلامی ($p < 0/05$ و $t = 2/05$) پیش‌بین کارکرد خانواده بوده‌اند. ضریب بتا نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت جنسی در گام اول و دوم، به ترتیب به میزان ۰/۳۰۴ و ۰/۲۵۷ واحد نمره از کارکرد خانواده کاسته می‌شود. در گام دوم با اضافه شدن یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت کلامی به میزان ۰/۱۰۹ واحد نمره بر حسب انحراف معیار از کارکرد خانواده کاسته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش بین تمامی ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p \leq 0/01$). به عبارت دیگر افزایش خشونت

موجب کاهش کارکرد خانواده می شود. لذا فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. این یافته‌ها با یافته‌های فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸)، و لمی (۲۰۰۳) همسو بوده است. در تبیین نتایج بدست آمده باید بیان نمود که کارکرد خانواده به توانایی اعضای خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است و هرگونه تغییر در آن می تواند بر سلامت اعضای خانواده اثر گذار باشد (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۳). همچنین همانگونه که اوتمن و آدان (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان مدیریت خشونت خانوادگی در مالزی به این موضوع اشاره کرده اند که وجود خشونت های خانگی در بین خانواده ها موجب افت رضایت زناشویی می شود و کارکرد های خانوادگی را کاهش می دهد. از سوی دیگر هرگونه انحرافی در سلامت اعضای خانواده می تواند موجب بر هم خوردن کارکرد خانواده گردد. بنابراین وجود رابطه منفی بدست آمده بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده هم علمی و هم منطقی می باشد، زیرا که خشونت در تمامی ابعاد اشاره به نوعی رفتار خصمانه و همراه با زور است که خواسته ای را به دیگران تحمیل می کند و زمانی که بین اعضای خانواده خشونت وجود داشته باشد، به دنبال آن کارکرد خانواده نیز دچار اختلال شده و کاهش می یابد.

همچنین یافته دیگر این پژوهش مبنی بر وجود رابطه چند گانه بین متغیر های پژوهش نشان داد که از بین ابعاد خشونت خانوادگی طی دو گام، خشونت جنسی و خشونت کلامی پیش بین کارکرد خانواده در جهت منفی بوده اند. ضریب بتا نشان داده که با افزایش یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت جنسی در گام اول و دوم، به ترتیب به میزان ۰/۳۰۴ و ۰/۲۵۷ واحد نمره از کارکرد خانواده کاسته می شود. در گام دوم با اضافه شدن یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت کلامی به میزان ۰/۱۰۹ واحد نمره بر حسب انحراف معیار از کارکرد خانواده کاسته می شود. بنابراین فرضیه دوم تأیید گردید. این یافته‌ها با یافته‌های فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸)، لمی (۲۰۰۱) و ساهین، تیمور و ارگین (۲۰۱۰) همسو بوده است. در تبیین نتایج بدست آمده باید بیان نمود که همانگونه که آقابابایی (۱۳۸۴) اشاره نموده است، خشونت های کلامی و لفظی، فحاشی و اداء الفاظ رکیک است، و در مراحل نازل تر به صدازدن طرف مقابل بانام های زشت و ناموزون و یا دشنام و ناسزا و... منتهی می شود، که این موارد ممکن است، زمینه ی بروز خشونت های بدنی و جسمی را فراهم کند و در نهایت در روابط میان همسران اختلال ایجاد کند؛ حال آنکه کارکرد خانواده به توانایی اعضای خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد،

اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است و زمانی که افراد نسبت به همدیگر از خشونت کلامی استفاده می کنند، به تضادهای موجود میان خود دامن می زنند و به دنبال آن کارکرد خانواده افت پیدا می کند. این امر در مورد خشونت های جنسی و تأثیری که بر کارکرد خانواده می گذارد نیز صادق است. همچنین، در تبیین این یافته که چرا از میان چهار بعد خشونت، خشونت جنسی و خشونت کلامی مهمترین پیشین در کارکرد خانواده است، میتوان چنین بیان نمود که خشونت جنسی و خشونت کلامی رخدادی است که غالباً در حریم خانواده اتفاق می افتد و آثار و نشانه های عینی برای اثبات چنین خشونت ها از نظر قانونی و حقوقی امری بسیار دشوار خواهد بود و بنابراین رخداد اشکال خشونت های یاد شده بیشتر از دو شکل دیگر خشونت یعنی، خشونت جسمی و خشونت عاطفی است .



منابع

- آقابابایی، علی. (1384). خشونت مالی اقتصادی علیه زنان . مجموعه مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم، شهرکرد، ص. 101-103
- بیرامی، منصور، هاشمی، تورج، علائی، پروانه و عبدالهی عدلی، وحیده. (1390). عوامل جمعیت‌شناختی، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز (1) 9، 43-33
- بخشی پور رودسری، عباس و منصور، احمد. (1390). مقایسه ابعاد اسکیزوتایپی با توجه به الگوهای دل‌بستگی در دانشجویان دانشگاه تبریز (1) 9، 32-24
- ثنائی، باقر. (1378). (نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، 21-46: (1)
- رجبی، غلامرضا، چهاردولی، حجت‌اله و عطاری، یوسفعلی. (1386). بررسی رابطه کارکرد خانواده و جو روانی اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان ملایر، مجله علوم تربیتی و روانشناسی 113-128: 2.
- فال، کوین، هووارد، شارین، و فورد، جان. راه‌حلهایی برای خشونت‌های خانوادگی. ترجمه مهدیزادگان، ایران و باقرپور، رحمت‌اله. (1381). انتشارات جنگل، تهران.
- فروزنده، نسرين، دريس، فاطمه، و دل‌آرام، معصومه. (1388). بررسی رابطه کارکرد خانواده با رفتارهای پرخطرانه دانش‌آموزان مدرسه دخترانه شبانه روزی منطقه دو آب-صمصامی. مجموعه مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم، شهرکرد.
- کدیور، پروین، اسلامی، عبدالله و فراهانی، محمدنقی. (1384). بررسی رابطه ساختار تعاملات خانوادگی (با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی). مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، (2) 34، 97-123.
- محمدخانی، پروانه، رضایی دوگانه، ابراهیم، محمدی، محمدرضا و آزاد مهر، هدیه. (1385). شیوع ارتکاب خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، 205-223: 38
- مردانی حموله، مرجان و حیدری، هادی. (1389). ارتباط خوشبینی و سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، 46-52: (1) 8
- مهدی‌زادگان، ایران. (1383). تاثیر فرایند مشاوره گروهی با مردان خشونت‌گرا در خانواده (کاربرد مدل دولوت. (نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران.

- Audi, C. A. F., Corrêa, A.M. S., Andrade, M. D. G., & Perez-Escamila, R. (2011). Violence against pregnant women: prevalence and associated factors. *Revista de Saude publica*, 9:652-664.
- Coie, J., Watt, N., West, S., Hawkins, J., Asarnow, J., Markman, H., Ramey, S. Shure, M., and Long, B. (1993). The science of prevention: A conceptual framework and some directions for a national research program. *American Psychologist*, 48, 1013-1022.
- Crowley, A. K. (2006). The relationship of adult attachment style and interactive conflict style to marital satisfaction. A dissertation in degree of doctor of philosophy, Counseling Psychology.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M. and Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Family and Marital Therapy*, 9: 171-180.
- Fall, K. A. (2010). Alternatives to Domestic Violence. Printed in the United States of America.
- Forster, J. R. (1991). Facilitating positive changes. *International Journal of Personal Construct Psychology*, 4, 281-292.
- Gortner, E.T., Collan, J. K., & Jacobson, N. S. (1997). Psychological aspects of perpetrators of domestic violence and their relationships with the victims.
- Lemmy, D. (2003). Intimate partner violence. Mothers' perspectives of effects on their children. *MCN Am J Matern Child Nurs*. 26(2):98-103
- Markman, H., Renick, M., Floyd, F., Stanley, S., and Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4 and 5 year follow up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1), 70-77.
- Othman, S., Adenan, N. A. M. (2011). Domestic violence management in Malaysia: A survey on the primary health care providers. *Asia Pacific Family Medicine*, 2:16-30.
- Resko, S. M. (2010). Intimate partner violence against women: Exploring intersections of race, class and gender. Unpublished doctoral dissertation, The Ohio State University, Ohio [On-line]. Available: https://kb.osu.edu/dspace/bitstream/811/32018/20_1resko_paper.pdf?sequence=2
- Sahin, N., Timor, S., & Ergin, A. (2010). Childhood trauma, type of marriage and self-esteem as correlates of domestic violence in married women in turkey. *Journal of Family Violence*, 7(25): 661-668.
- Schechter, S. Ganley, A. (1995). Understanding domestic violence. In *Domestic violence: A national curriculum for family preservation practitioners*. San Francisco: Family Violence Prevention Fund.
- Waring, R. B., Davies, R. W., Lee S., Grisi, E., McPhail-Berks M. & Scazzochoio, C. (1981). The mosaic organization of the apocytochrome b Gene of *Aspergillus nidulans* revealed by DNA sequencing, *Cell*, 27, 4-11.